

## سهم مربیان انگلیسی از بیت المال

طنزیم

هومن جعفری



طبق آمار منتشر شده که بسیار هم عجیب است، امسال برای نخستین بار در لیگ برتر انگلیس هیچ کدام از باشگاه های لیگ برتری مربی خود را اخراج نکردند! این قصه آنقدر عجیب است که آدم نمی داند در موردش چه نظری بدهد. پس دلان عزیز در انگلیس چطوری نان در می آورند؟ کانون مربیان انگلیس چرا بیکار نشسته؟ این همه مربی انگلیسی بیکار نشسته اند در خانه شان بعد فرت و فرت مربی خارجی می آید در لیگ این کشور نان می خورند که چه؟ این اصلاً درست و عقلانی نیست! سهم مربیان انگلیسی از سفره بیت المال کجاست پس؟

### دم دستگاه دیپلماسی گرم

یک تشکری هم بکنیم از دستگاه امور خارجه کشورمان. پاسپورت ایرانی آنقدر اعتبار پیدا کرده که مردم بدون ویزا می روند قطر! دمتان گرم!

### جمع کنبد

یک خبری در مورد صدور رأی سقوط یک باشگاه لیگ برتری از سوی فیفا به گوش می رسد که نگران کننده است. امید که مسئولان این باشگاه حواسشان باشد که چطوری جمع کنند!

### ای دلار

خبر آمده که علیپور مهاجم پرسپولیس به مارتیموی پرتغال اضافه شده. قیمت دلار الان یکطوری است که شمایه لیگ آذربایجان هم ببیندید دو برابر بالاترین پیشنهاد فوتبال ایران در می آورید چه برسد به لیگ پرتغال. قانون منع بازیکن خارجی را نمی گذاشتید دست کم بیست بازیکن دیگر لژیونر می شدند! این نسل جدید یادش نیست. یک زمانی واقعاً بیست تا بازیکن در اروپا داشتیم.

## سلسله الاضرار تیمداری؛ چه قرمز چه آبی!

نگاه

شهرام وزیری

جناب وزیر معزز ورزش، این نوشتار را به منزله سؤالی بدانید که سالیان سال است سردل مردم مانده. سؤالی که انتظار می رود شما جوابش را بدهید. مگر آنکه اینگونه پرسش ها دور از انتظار حضرتعالی باشد!

جناب وزیر عزیز! برای انتخاب و انتصاب مدیران دو تیم استقلال و پرسپولیس که سالیان سال است زیر تیول وزارت ورزش هستند، با کدام و کدامین رایزنان آشنا به مقوله فوتبال به مشاوره می نشینید که چنانچه رفته نتیجه سحرش در تیره شبی های این دو تیم چنین است؟

جناب وزیر عزیز! آیا از دید شما اینگونه انتصاب های سریالی بنا بر رویه آزمون و خطا است یا بر اساس شناخت قبلی و نیز دانایی و آگاهی منتصب کنندگان و منتصب شدگان به مقوله فوتبال است؟ چگونه است که این دوندگان شهرت طلب به مثابه مسابقه دو امدادی هنوز چند متری ندویده اند، چوب مدیریت را باید به نفر بعدی بدهند و نهضت مدیران امدادی همچنان مستدام باشد؟!

جناب وزیر عزیز! مسأله اساسی در این دو امدادی خط پایان است. مسأله در این است که در فرآیند این مسابقه همه سر باخت و همه کس بازنده، نتیجه و برآیند عملکردشان کی و کجا باید بررسی شود؟ کی و چه کسانی و کدامین کارشنان آموخته موظف هستند کارنامه مردودی این مدیران را مورد بررسی قرار داده و به حساب دفتر و دستک و بیلان و تراز مالی شان رسیدگی کنند؟

جناب وزیر عزیز! در این رفت و آمدهای مکرر مدیریتی در استقلال و پرسپولیس، مسلماً حساب همین امروزی ها مثل همان دیروزی هاست نعل به نعل. رفته هایی که دیگر چشمان ضعیف ملت نه قادر به دیدن لقایشان است و نه دستانش به ردایشان می رسد اما جنابعالی لطف کنید اگر کسی از میان این سلسله الاضرار استقلال و پرسپولیس را دیدید، بپرسید چی شد و کی بود که با شفر آلمانی قرارداد کلان بست و چی شد که میانه راه در به رویش بستند تا امروزه روز به حکم فیفا و دادگاه های بین المللی این فوتبال آبرو بر باد داده میلیارد ها جریمه شویم؟

جناب وزیر عزیز! اگر شد از این مدیران خسرانگر و زیان ده و هزینه ساز سؤال کنید کدامین مدیر کاردان بود که در پرسپولیس با برانکو قرارداد بست و چی شد که اخلاف ناکار آمدشان یکی یکی به تعهدشان عمل نکردند تا اینک میلیارد ها محکوم شوند. صد البته اینان که نه پرسپولیس با پول ملت خسرانگر شد؟

لطفاً بپرسید چی شد استوکس که برایش به به و چه چه می کردند نیامده، خورد و برد و به ریش این فوتبال خندید. سؤال کنید چی شد که به دور از معرفت و فتوت ورزشی با خوردن حق و حقوق پادوانی معلول شده، مدیر پشت مدیری را سر کار گذاشتند تا حالا

۱۰ برابرش جریمه شوند. کسی پرسید که چرا کالدرون رفت و کارش به شکایت کشید؟ جناب وزیر عزیز! لطف کنید از این مدیران اضرار بپرسید کدام مدیر بی تدبیر بود که باعث شد استراماچونی با کلی ضرر و زیان پس پسکی برود و کدامین مدیر بی تدبیر دیگر حی و حاضر در پس آن در بزنگاه حساس دربی لاپوشانی کنان برای عودت طرف طیاره نشین تهران را به رم گره زند؟

یعنی این همه مدیران هزینه بی حساب آمدند و بی حساب رفتند و با گذاشتن میلیارد ها پس میلیارد ها بدهی های انباشته سر دل این ملت بعدش یادم تو را فراموش؟ ملتی که روز به روز سفره شان کوچک و به اندازه یک کف دست دارد، کوچکتی می شود و زیانشنجیبانه از بس که گفت نان، مو در آورد و نیز کف دستی که اگر دیدی مو درآید، نان هم درآید!

جناب وزیر عزیز! اهالی راستین این فوتبال انتظار دارند حضرتعالی به عنوان رئیس مجمع این دو تیم با چنین مرنوسان مدیر نمای خطاکار به شدت برخورد کنید. به امیدش.



### آسیا در دور دست

## رفع تکلیف ایرانی

سامان موحدی راد



دور گروهی رقابت های لیگ قهرمانان آسیا در حالی قرار است از سر گرفته شود که تیم های ایرانی با کمترین شانس برای صعود، بدون آمادگی و تدارک لازم برای این رقابت ها پا به این مسابقات می گذارند. احتمالاً تنها انگیزه ایرانی ها برای شرکت در این رقابت ها ترس از جریمه شدن احتمالی در صورت عدم حضور در این رقابت هاست. سال دیگر هم که از مربی و بازیکن خارجی در لیگ ایران خبری نیست و احتمالاً حضور ایرانی ها چند سالی در این رقابت ها در حد دور گروهی و بهره بردن احتمالی از مزایای مالی اندک این دوره است. نکته جالب درباره تیم های ایرانی حاضر در این رقابت ها که در قطر به سر می برند، وضعیت مبهم نیمکت های آنهاست. در استقلال که وضعیت بسیار بحرانی است. آنها با از دست دادن فینال حذفی سرمربی شان را از دست دادند تا همین زمان تیم مدیریتی استقلال به دنبال مذاکره با دوسر مربی باشد. نخست آندره آ استراماچونی که استقلال امیدوار است او را به نیمکت تیم در فصل بعد برساند و دیگری مجید نامجو مطلق که با بازگوا ری پذیرفت استقلال رها شده فرهاد مجیدی را بپذیرد و همچنین عنوان «موقت» را در کنار اسمش تحمل کند. در میان چهار تیم ایرانی لیگ قهرمانان البته استقلال به مدد انصراف الوحده شانس بیشتری برای صعود نسبت به سایر تیم های ایرانی دارد. نباید فراموش کنیم که استقلال این سال نیمکت متزلزلی داشته که ضربه های زیادی از همین تزلزل نیمکتش خورده است. آنها فصل را با استراماچونی شروع کردند و به مجیدی رسیدند و حالا نوبت مجید نامجو مطلق است. باید دید پایان این دور گروهی کمک می به بهتر شدن وضعیت بحرانی استقلال می کند یا خیر. تیم دوم ایرانی که حضورش در لیگ قهرمانان با مشکلات عجیب و غریب نیمکت همراه است، شهر خود را است. آنها هم مثل استقلال فصل پر رفت و آمدی را روی نیمکت تیم شان داشتند. پس از یک شروع قدرتمند با یحیی گل محمدی آنها سرمربی شان را به قرمزهای پایتخت دادند تا در اتفاقی عجیب سرآسیابی در تیم مدیریتی باشگاه به نیمکت این تیم برسد. سهراب بختیاری زاده دیگر مربی این فصل شهر خود را بود که از قضا نتایج بدی هم با تیم نگرفت اما اتفاقات عجیب در شهر خود روبه اینجا ختم نشد و در پی اختلافاتی میان مهدی رحمتی و سهراب بختیاری زاده این سرمربی تیم بود که برکنار شد و رحمتی در حرکتی عجیب به نیمکت تیم رسید. حالا دومین نماینده ایران سرمربی دارد که سابقه اش ۲۰ سال دروازه بانی در سطح اول فوتبال ایران است. سیاهان هم می رفت که با یک مربی موقت مثل استقلال و شهر خود روبه این رقابت هایباید که یک هفته پیش سکان هدایتش به محرم نوید کیا سپرده شد. آنها فصل را با قلعه نویی شروع کردند و مربی شان در اواخر فصل با نتایج ضعیف تیم را ترک کرد. شاید وضعیت پرسپولیس در ثبات نیمکت از نقیه بهتر باشد. آنها هم حداقل یک تغییر را در ترکیب نیمکت تیم شان دیدند ولی با همان مربی به این رقابت ها پا گذاشتند. حداقل آنها یک مربی دارند که یک نیم فصل با تیم کار کرده و در یکی دو هفته اخیر به تیم اضافه نشده. گرچه همین یحیی گل محمدی هم تصمیم گرفته بعد رقابت های آسیایی تیم را ترک کند. همین وضعیت بحرانی به خوبی نشان می دهد که تیم های ایرانی در چه شرایط بدی به این رقابت ها پای می گذارند و حضور شان تنها از سر رفع تکلیف است.

### زمین لم یزرع فوتبال ایران

## باغ بی برگی

میعاد نیک



عملکرد تقریباً موفق باشگاه های ایرانی طی سال های اخیر در رقابت های لیگ قهرمانان آسیا، عموماً تابعی مشترک از تلاش بی وقفه بازیکنان و هیجان و عرق ملی بوده است و بس. پرسپولیس ۲۰۱۸، استقلال ۲۰۱۲ و سپاهان ۲۰۱۰ از معدود تیم های ایرانی هستند که توانستند مدارج بالایی در رقابت های باشگاهی آسیا را بدون وجود یک تفکر و ساختار حرفه ای کسب کنند و به موفقیت هایی در سطح بین المللی نیز دست یابند. صحبت از موفقیت و قهرمانی در لیگ های داخلی نیست؛ در فوتبال داخلی ممکن است یک تیم بدون وجود ساختار صحیح و تنها متکی بر جور سانهای و هواداری به موفقیت برسد اما این اتفاقات هرگز در سطح قاره ای امکان پذیر نیست. تیم هایی که برای اعاده حیثیت و به کرسی نشاندن قدرت خود وارد لیگ قهرمانان آسیا می شوند، هر کدام در چننه خود هم پول دارند و هم قدرت، هم ساختار دارند و هم مدیریت، هم ستاره دارند و هم پشتکار. تیم هایی مانند الهلال، الاهلی، الدحیل والسد که نمادهای بارز فوتبال مدرن در غرب آسیا هستند، هر سال برای حضوری موفق تر در رقابت های ACL با مدیریت صحیح و نظم اقتصادی خرج می کنند و ثمره اش را هم دیده اند اما منتها چیزی که از تیم های ایرانی در آسیا باقی مانده، چهار کلمه کری های بیگانه است و افتخار به ستاره های عهد قدیم.

تیم های حاشیه خلیج فارس نه فقط با دلارهای نفتی، بلکه با ساختاری صحیح و مدیریتی درست به جایی رسیده اند که ژاوی رامجواب به سرمربیکری می کنند و گومیس، جووینکو، مانژوکیچ و بن عطیه را تبدیل به برنده های اقتصادی-ورزشی و سوپرستار. تیم های ایرانی اما در شرایطی به مصاف این ابر قدرت ها می روند که دلخوشی شان گذشته است و گذشته.

استقلال، پرسپولیس، سپاهان و شهر خود روفی الواقع برای موفقیت هیچ برنامه مدون و هدف گذاری دقیقی ندارند و صرفاً برای رفع تکلیف به دوحه سفر کرده اند. یک باغ برای بریایی کشتزار و حصول میوه ابتدا به مراقبت و شخم صحیح نیاز دارد و پس از طی سلسله مراتبی تازه مهبای کشت محصول می شود اما فوتبال مایک زمین لم یزرع و بیابر است که برخی ها اصرار دارند از این سرزمین بی آب و علف، سیب و پرتقال آب دار و شیرین دریافت کنند.

فوتبال باشگاهی ایران در قیاس با فوتبال کشورهایی همچون قطر، امارات، عربستان و حتی عراق مانند بسریچه ای فقیر است که با لباس هایی مندرس و زهوار در رفته به محله های بالانشین رفته و می خواهد صورتش را با سبلی سرخ نگه دارد. با سو مدیریت و اشتباهاتی که نمی شود صفت غیر عمد به آنها داد، وضعیت باشگاه های بزرگ ایرانی به جایی رسیده که نصفه و نیمه به فرودگاه می روند و بدون ویزا پرواز می کنند. زورمان به آنها که هیچ، حتی به خودی های خائن هم نمی رسد و با این وضعیت حتی حضور نماینده های مان در هتل قطری هم اشتباه و ناکام است، چه رسد به مسابقات.